



۰۹ سپتمبر، ۲۰۲۴

ملالی موسی نظام

احمد شاه مسعود را تاریخ افغانستان فراموش نمی نماید



عکسی تاریخی از مسعود، علمی، انجنیر پناه، فهیم و نبی عظیمی بر روی نقشه مقدس افغانستان در زمان اشغال واقعیت امر همین است که اوراق تاریخ هرگز رویداد هایی را که در یک سرزمین واقع گردیده اند با دست اندر کاران آن فعالیت های سیاسی و اجتماعی هرگز فراموش نمی نماید. چنین است یکی از همین فعالانی که در نیمه دوم قرن بیستم کشور ما با چهره های گوناگون مسخ گشته، جنایات و خیانت های غیر قابل تصویری را مرتکب گردید. امروز که ۲۳ سال از قتل «احمد شاه مسعود» ذریعه عمال خودش میگذرد، بدون شک آنچه را وی در حق ملت افغان و سرزمین مقدس افغانستان روا داشت روی تاریخ را سیاه نموده است.

در معضله افغانستان بیشتر از چهار دهه اخیر، چنین مثال هایی را به کرات شاهد بودیم و هستیم که در پهلوی خیانت پیشه های وطن فروشی چون ترکی، ببرک، اناهیتهای راتب زاد، امین، نجیب و صد های دیگر، «احمد شاه مسعود» هم در خیانت و جنایت به نحوی همگام و هم نظر آنان در وطنفروشی بوده و در عصر قدرتمندی آنان، مخصوصاً در روزگار خون و آتش اشغال مادر وطن با همدستی

مستند با عساکر اشغالگر شوروی سفاک، از ظلم و تعدی بر هموطنان مظلوم خویش، دریغ ننمود. البته بعد از شکست خفتبار اتحاد شوروی سابق، در عصر تنظیم های تشنه قدرت، مخصوصاً به حمایت «احمد شاه مسعود» و به امر شوروی، عده کثیری از اعضای خیانت پیشه خلق و پرچم، از مجازات معاف شدند و با اخذ پاسپورت با سر افگندگی به غرب پناهنده گشتند.

بعد از مرگ «احمد شاه مسعود» که تلاش برای تبلیغ حیات و زندگی جاودان وی از جانب فامیل و همگامانش منافع سرشاری را نصیب آن گروه نموده و مینماید، علی الرغم جنایات و خیانت های نامبرده به ملت و کشورش در حقیقت با فروش قهرمانی پوشالی وی قدرتمندی و برداشت مادی فراوانی را بدست آورده اند.

«احمد شاه مسعود» که در زمان جمهوریت «سردار محمد داود» با همگامان خود چون «برهان الدین ربانی و گلبدین حکمتیار» به حریم آی اس آی پاکستان پناهنده گردید، آموخت که این عمل مزایای زیادی دارد، چنانچه که وابستگی های وی تا دم مرگ به مؤسسات استخباراتی گوناگون شرق و غرب که بعد تر صورت گرفت، از مسعود یک شخصیت چند بعدی مرموز و انعطاف پذیر و نهایت خطرناک و جنایت پیشه ساخت.

در عمل، در هیچ صفحه ای از تاریخ افغانستان که در قرون متمادی مملو از جانبازی های قهرمانان و شجاعت سر سپردگان راه صیانت و آزادی وطن بوده است، نمی توان سراغ نمود که یک جنگ «احمد مسعود» را با قوای اشغالگر شوروی با تفصیل و زوایای آن ثبت نموده باشد، مگر جنگ های کوچک «۱» ساختگی را که در همان وادی های اطراف صحنه سازی میگردید و خاک به چشم مردم مظلوم وطن میزد. برعکس نامبرده بصورت وسیع نظر به پروتوکولی در سال ۱۹۸۸ «ماده هفتم» که با شوروی امضاء نمود، همه مجاهدین منطقوی و نواحی سالنگ را که به مقابل عساکر شوروی مقاومت می نمودند، به نفع قوای آنکشور قلع و قمع نمود! البته اتحاد شوروی از کمک های ارزشمند «مسعود» منجمله حفظ سالنگ ها برای قوای زمینی و مراقبت از پیپ لینی که از شمال تا میدان بگرام کشیده شده بود، نهایت استفاده نمود و در نتیجه اردوی قوای اشغالگر نمبر ۴۰ به سرکردگی جنرال «گروموف» همیشه از همکاری های «احمد شاه مسعود» سپاس گزار بود، چنانچه در مصاحبه ای با اخبار سپوتنیک «۲» حقیقت بزرگی را درین زمینه افشاء ساخته است.

بعد از آغاز قرن ۲۱ میلادی و ختم جنگ سرد طولانی، نه تنها منابع معتبری مانند آرشیف های «سی آی ای و وزارت خانه های دفاع و خارجه امریکا»، بلکه وزارت خارجه و «دفاع روسیه و منابع کی جی بی» همچنان جریانات جنگ و مناسبات سیاسی گوناگون جنگ های افغانستان را افشاء

نموده و به دسترس همگان قرار دادند. همان بود که نویسندگان بیشمار داخلی و خارجی، تعداد زیادی آثار و نوشته های مستند این حوادث خونین را با معرفی دست اندرکاران آن بروز دادند. حتی در همین امریکا میشود به آسانی به وزارت خارجه رفت و از معلومات آن وقت افغانستان عکس و راپور گرفت.

در مورد قوماندانی « احمد شاه مسعود » در عصر خونین و ناکام « برهان الدین ربانی »، جنگ های داخلی افغانستان و مخصوصاً شهر کابل را به مخروبه ای وحشتناک تبدیل نمود که با تلفات ۶۵۰۰۰ بیگناه اهالی پایتخت، یک دوران دهشت و جنایات ابتکاری و فجیع بشری ای هموطن بر هموطن به وقوع پیوست. این قوماندان بیرحم و جاه طلب نه تنها صلح و امنیت را برقرار ننمود، بلکه در پهلوی دیگر گروپ های سفاک جهادی طوری پیشگام و یکه تاز گردید که با در دست داشتن سلاح ثقیله و خفیفه و راکت های نهایت آتشین برای تصرف قدرت، به سراغ دیگر گروه های جنگی، مخصوصاً « گلبدین حکمتیار » رفت و هردو شهر کابل را ناجوانمردانه، ددمنشانه و سبعمانه به راکت بستند. بیان حوادث و جنایات این فرزند ناخلف افغانستان بر مردم مظلوم آن تا تاریخ باقیست از صفحات تاریک و خونین آن محو نمی شود. هیئات!!



تصویری از یکی از فجایع احمد شاه مسعود - صحنه ای از قتل عام خونین افشار

درین عصر خون و آتش « ۱۹۹۲-۱۹۹۶ » نظر به راپور « کمیته نظارت بر حقوق بشر » جزئی از تشکیلات « ۳ » خیریۀ سازمان ملل متحد، کشتار اعظمی شهریان کابل در همان سال اول هجوم تنظیم های جهادی به پایتخت افغانستان صورت می گیرد؛ چنانچه در ۱۱ فروری سال ۱۹۹۳ حادثه

فجیع و بی مانند «قتل عام افشار» که به قوماندانی و طرح نظامی خود «احمد شاه مسعود» و همکاری با «عبدالرسول سیاف» سازماندهی میگردد، یکی از بزرگترین تراژیدی های بشری را رقم میزند که دقیقاً از جانب منابع خیریه جهانی ثبت تاریخ میگردد. درین حادثه مرگبار، در نیمه شب توپ خانه «مسعود» از بالای «کوه آسمایی» شهر های متعددی در غرب کابل، منجمله افشار را زیر فیر می گیرد و هزاران زن، مرد و کودک را به خون و آتش غرق میسازد و بعد از کشتار فجیع به رضائیت وی، عساکر جنگ به داخل حریم مردم بی دفاع و مظلوم داخل میگردند.....

از اسناد و مدارک بیشمار افشار عکس ها و ویدیو هایی هم هست که تعدادی از چهره های آشنا عاملان این جنایت بشری را در کنار «مسعود» افشاء میسازد و همانطوریکه ذکر شد، همه بدون مجازات و بازخواست، بعد از سقوط طالبان دوباره بر مقامات بلند دولت و به کمک «حامد کرزی» عز تقرر حاصل می نمایند، از قبیل «فهیم، قانونی، عبدالله، بسم الله خان و تعداد دیگر».

اینهم شمه ای از جنایات یکی از چهره های تاریخ معاصر افغانستان که با دستگاه های استخباراتی غرب و شرق بستگی و ارتباط تنگاتنگ داشت.

با هجوم بار اول طالبان در سال ۱۹۹۶ که با هیچ نوع اسلحه ثقیله و تانک و طیاره مجهز نبودند، «احمد شاه مسعود» منحیث قوماندان قوای دولت ناکام «برهان الدین ربانی» با گروه و گروه خویش، تعدادی پا برهنه و تعدادی با پشتاره محتویات نقدی بانک های دولتی به طرف شمال فرار نمودند و اصطلاحات نا مفهوم «جهاد و مقاومت» به باد هوا رفت. البته ارتباطات «مسعود» و گروه فراری وی با تکیه به دولت روسیه «تا دم مرگ» پا برجا بوده و رفت و آمد با هیلی کوپتر از خواجه بهاء الدین به تاجکستان و کولاب مانند خانه خاله برقرار بود!

اول - در مورد مبارزات آزادی خواهانه «احمد شاه مسعود» تکراراً عرض میگردد که لطفاً به حکم تاریخ داستان یک جنگ یا محاربه مسعود را با عساکر شوروی و تلفات طرفین، تاریخ و منطقه آنرا در عصر اشغال وطن بیان نمایند. برعکس به گفته جنرال آمر قوای اشغالگر «گروموف»: "اگر مسعود از ارتفاعات پنجشیر بر قوای شوروی سنگ پرتاب میکرد یا پایپ لین گاز را منفجر مینمود، صدمه سختی بر قوای زمینی مذکور وارد میکرد که نکرد!"

البته همکاری و همگامی مسعود با امضای پروتوکول ها مخصوصاً قرار داد های «خنجان و جبل سراج» با قوای اشغالگر شوروی اظهر من الشمس است که هست!!

دوم- در مورد اقدامات «**صلح جویانه مسعود**» بازهم باید به سراغ صفحات و حکم تاریخ رفت، معلوم نیست که کدام تلاش و نتیجه صلح آمیز مربوط به کار روایی های وی ثبت گردیده است؟! چند سطری از قرار داد مسعود با شوروی را در سال ۱۹۸۸ مطالعه فرمایید: **معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر ۴۰ شوروی در افغانستان:**

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند . مشاهده می فرمایید که در قرار داد مخفی با «**بوریس گروموف**» آمر قوای اشغالگراز صلح «**!؟**» اسم برده شده است!

ولی اگر منظور اقدام و پلان گزاری «**قتل عام افشار**» و کشتار بیشتر از شش هزار هموطن خفته در خواب باشد که به صلح متعلق نبوده و از جنایات بیدریغ بشری ثبت تاریخ جهان شمرده میشود! شاید منظور، تخریب پلان صلح «**ملل متحد**» که بعد از خروج و شکست خفتبار شوروی از جانب «**ربانی - مسعود**» صورت گرفت و افغانستان را تا امروز در دریای خون و آتش غرق نمود، باشد!**!**

اگر بیطرفانه به جریانات تاریخ عصر اشغال و تنظیم ها که مجموعاً ۱۷ سال میشود دقت شود، این دوره ها به نام عصر «**جنگ های افغانستان**» از خود تاریخ مفصل و مستند و مستدلی بر جای گذاشته شده اند که نقش صد ها کتاب و هزاران رساله از چشم دید های شهود عینی تا راپور های منابع معتبر گردیده است. متأسفانه هر آن سیاست ممالک و سیاست جهانی خاین را قهرمان و یا بر عکس می سازد. در مورد روابط «**احمد شاه مسعود**» با ممالک مختلفه، بدون شک وی با قدرتمندان در کشور هایی مانند پولند و فرانسه معاملات مخفیانه و مهمی را در زمینه استفاده از منابع قیمنداری چون زمرد ناب افغانستان و لاجورد بینظیر کشور به عمل می آورد. ویدیویی که در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در تلویزیون های امریکا نمایش داده شد، این ادعا را تثبیت می نماید.

حتماً بیاد داریم که این سیاست بود که با فشار غرب و امریکا، با علی الرغم حقایق میرهن حیات سیاسی «**احمد شاه مسعود**» و همگامی وی با دولت اتحاد شوروی و کشتار ها و جنایات جنگ های کابل، «**حامد کرزی**» با خاک زدن بر چشم ملت افغانستان، لقب «**قهرمان ملی**» را که متعلق به مردم مجاهد کشور بود، غصب و بر مسعود گذاشت و تاریخ مرگ وی را با وقاحت و کتمان ملیون ها شهید سرزمین ما، «**هفته شهید**» نامگزاری نمود!

نوت:

۱- در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین به راه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه هائی که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقدين متوقف نساخته اند. « ماده هفتم قرار داد مسعود با شوروی».

۲- لینک مضمون مصاحبه « بوریس گروموف» با نشریه سپوتنیک در مورد احمد شاه مسعود.

<file:///C:/Users/Owner/Downloads/m-moosa-nezam-a-sh-masoud-ragromov-marefi-mai-konad.pdf>

۳- راپور یکی از فجیع ترین جنایات بشری که قتل عام افشار باشد تحت عنوان «دستان آغشته بخون - Blood Stained Hands» کمیون نظارت بر حقوق بشر ملل متحد که خبرنگاران آن در کابل موجود بودند.

